

ترجمه‌ی دکتر محمود سلطانیه

با مقدمه‌ی دکتر حامد فولادوند

انتشارات جامی

چاپ نخست: ۱۳۸۴

سیزیف: شورش بر زندگی

«تنها یک مشکل به راستی جدی وجود دارد و آن هم «خودکشی» است. داوری این که زندگی ارزش زیستن را دارد یا نه بستگی به پاسخ این پرسش اساسی فلسفی دارد و پرسش‌های سرگرم‌کننده‌ی دیگر از جمله این که دنیا سه بعدی است یا روان، نه یا دوازده مقوله دارد به دنبال آن خواهد آمد.»

نویسنده: حمیدرضا حسن‌پور

«تنها یک مشکل به راستی جدی وجود دارد و آن هم «خودکشی» است. داوری این که زندگی ارزش زیستن را دارد یا نه بستگی به پاسخ این پرسش اساسی فلسفی دارد و پرسش‌های سرگرم‌کننده‌ی دیگر از جمله این که دنیا سه بعدی است یا روان، نه یا دوازده مقوله دارد به دنبال آن خواهد آمد.»

این نخستین جملات کتابی است که آلبر کامو، نویسنده و فیلسوف فرانسوی در بیست و

هشت سالگی نوشته است. هنگامی که بر اثر ابتلا به بیماری سل از تحصیل در دوره‌ی عالی فلسفه باز مانده و به دلیل جنگ جهانی، مجبور می‌شود در الجزایر اقامت کند؛ در بندر اوران (Oran) با تصویری که کامو از آن ارائه می‌کند: «زشت، کسل‌کننده و پرگرد و

غبار» در چنین شرایطی است که کامو روایتی نو را از «افسانه‌ی سیزیف» (le mythe Sisyphe) می‌نگارد. افسانه یا اسطوره‌ی یونانی سیزیف، نماد انجام و تکرار کارهای بیهوده و عبثی است که بر انسان تحمیل می‌شود: «خدایان سیزیف را بر آن داشتند تا مدام تخته سنگی را به فراز کوهی رساند و هر بار تخته سنگ به سبب وزنی که داشت باز به پای کوه در می‌غلتید. خدایان چنین می‌پنداشتند که کیفری دهشت‌بارتر از کار بیهوده و نومیدانه نیست.»

در واقع کامو این افسانه را دستاویز قرار می‌دهد تا برداشت فلسفی خود از زندگی انسان، جهان پیرامونی او و هستی بیان کند.

برای این کار به طرح و بررسی کلیدی‌ترین کلمات در اندیشه‌ی خود می‌پردازد: پوچی، خودکشی، عصیان، آزادی و در مقدمه تاکید می‌کند که: «من تنها به حالت ناب ذهنیتی رنجور پرداخته‌ام. این کنکاش به هیچ آیین، اعتقاد و متافیزیکی نپرداخته و تنها به بررسی حد توانایی‌ها بسنده کرده است.»

به نظر کامو اصلی‌ترین و تنها مسأله‌ی جدی در فلسفه خودکشی است. از دیدگاه او جهان پوچ است(\*) و آدمی بعد از رسیدن به پوچی جهان و قبول آن، به شورش و عصیان می‌رسد.

زیرا «پوچ نیز همانند نفرت موجب پیوند موجودات می‌شود.» و درک این پوچی و ماهیت

زندگی و نامعقولی آن، او را به اعتراض می‌خواند و نه تسلیم و درماندگی. بنابراین پوچ‌نگری او به انفعال و اراده به مرگ ختم نمی‌شود. سیزیف همچون مورسو (قهرمان داستان بیگانه) دستاویزی می‌شود برای کامو تا به نقد مدرنیته و تجدد بپردازد. «احساس پوچی و شوریده‌دلی نتیجه‌ی فقدان معنا و گسترش نیست‌انگاری (nihilisme) درون جامعه‌ی مدرن است. روند تجددمآبی معاصر، افسون‌زدایی (desenchantment) و تقدس‌زدایی (desacralisation) را با خود می‌آورد و پی «دیوارهای پوچی» را می‌ریزد. سیزیف (یا مورسو) شاهد و قربانی تکرار کسل‌آور زندگی (ماشینی-مکانیکی) یک‌نواخت است و در گرداب ناآرامی (L'intranquillite پسوا) و نداشتن شور و شوق کشیده می‌شود. دلشوره (Angst هایدگر)، تهوع (la nausee سارتر) و از خودبیگانگی (alienation مارکس) حالت‌های روحی فرد عصر مدرنیته را بیان می‌کنند.»

ارجاعات کامو در این کتاب به متفکرانی چون هایدگر، یاسپرس، کی‌یر که‌گارد، داستایوسکی و شوپنهاور، نشان از علاقه یا به تعبیر خودش «خویشاوندی» کامو با آنان است و در این میان هیچ ابائی ندارد تا به طور خاص تاثیرپذیری خود را از نیچه نشان دهد.

هم چنان که نیچه را فیلسوف زندگانی نامیده‌اند، کامو نیز زندگی را سرشار از زیبایی و لذت می‌بیند و با تلاش و سماجت، بهشت و جهنم خود را در همین کره‌ی خاکی می‌جوید. او از شورشی خلاق و غیرایدئولوژیک، عصیان و تعهد انسانی جانب‌داری و زندگی را ستایش می‌کند. چیزی که در زندگی شخصی نویسنده هم دیده می‌شود: آبر کامو در زمان جنگ جهانی از فعالان نهضت مقاومت است و مبارزی تمام عیار محسوب می‌شود.

سیزیف پوچ‌گرا (= کامو) یک شورشی است بر دنیا و در پایان کتاب تکلیفش را با جهان مشخص می‌کند: «من سیزیف را پای کوه رها می‌کنم! بار سنگین او همواره در دسترس است.

سیزیف وفادارانه در برابر خدایان می‌ایستد و تخته‌سنگ‌ها را از جای برمی‌کند.

او نیز همه چیز را نیک می‌داند و دنیا را نه سترون می‌بیند و نه بیهوده. هر ریزه‌ای از آن سنگ و هر پرتوی از دل کوهساران

همیشه شب برای او دنیایی می‌شود. مبارزه

برای رسیدن به ستیغ گامی‌ست تا دل آدمی را سرشار کند. باید سیزیف را نیکبخت انگاشت.»